صفحه‌آرا: مهرداد هاشمیان

روایت تهران

چرا تهران خندق داشت؟

برای قرن‌ها، حفر خندق راهکاری مؤثـــر برای حفاظت از شهرها در برابر حملات بود. تهران نیز از این قاعده مستثنی نبود؛ از دوره صفویـــه تا قاجار، خندق‌هایی اطراف شـــهر حفر شـــد که یکی از معروف‌ترین آنهـــا «خندق ناصری» است؛ پروژه‌ای بزرگ که از ســـال ۱۲۴۶ تا ۱۳۰۹ شمسی ادامه یافت و بعدها بـــه خیابان‌هایی مانند ناصر خســـرو، شوش و... تبدیل شد. عرض خندق‌های حفر شده در زمان ناصرالدین‌شاه ۲۰ متر و عمق آنها ۶ متر بود.

بزرگراه صدر؛ سال ۱۳۷۲

ساخت بزرگراه صدر که پیش‌تر با نام «شارل دوگل» شناخته می‌شد، سال‌ها به تعویق افتاد تا سرانجام در دهه ۷۰، بخشی از آن به بهره‌برداری رســـید. این تصویر خـــاص، چهره این بزرگراه را در محدوده خیابان شـــریعتی و در ســـال ۱۳۷۲ روایت می‌کند؛ پیش از آنکه ســـازه‌های دوطبقه و ازدحام امروز، سیمای آن را دگرگون کنند.

مسئول باصفای گروه جهادی اکبریه

شهید حسین کریمی جوانی از دل کوچه پس‌کوچه‌های شهرری بود؛ همان مسئول باصفا و فعال گروه جهادی اکبریه شهرری. زندگی‌اش نه در خانه بلکه با بچه‌های جهادی در دل روستاهای محروم کشور می‌گذشت. او در ۲۶ سالگی در حمله رژیم صهیونیستی به یکی از ساختمان‌های وابسته به سازمان بسیج به شهادت رسید.

حرکت در مسیر عشق و ایمان

شهید سیدعلی‌اکبر سیدان، بسیجی مخلص، ۲۳ خرداد ۱۴۰۴ در پی حمله رژیم صهیونیستی به منزل دکتر طهرانچی در سعادت‌آباد به شهادت رسید. او عضو یگان حفاظت ویژه بود و مسئولیت مهم حفاظت از شهید دکتر طهرانچی را برعهده داشت. شهید سیدان سال ۱۳۶۲ در تهران متولد شد.

خبر آخر؛ شهادت

خبرنگاری برای احسان ذاکری شغل نبود

گزارش

سیده کلثوم موســـوی | خبرنگار | نه فقط در عرصه خبر که در اغلب میدان‌های علمی و فرهنگی‌هم حاضر بود. در راهپیمایی‌ها و هر صحنه‌ای که نیاز به روایتگری داشت، او را می‌دیدی. خبرنگاری برایش یک شغل نبود، رسالت بود؛ حافظ کل قرآن و فرزند اول خانواده بود؛ خبرنگاری متعهد که منش و روش پرثمرش با ثبت شـــدن نامش در شمار شهیدان ماندگار شد. احسان ذاکری، ۳۳ ســـاله و خبرنگار حوزه دفاع‌مقدس، روز دوم تیرماه ۱۴۰۴ در حمله رژیم صهیونیستی به سازمان بسیج مستضعفین به شهادت رسید. روایت مادر و همسر شهید ذاکری درباره زندگی او پیش روی شماست.

حافظ قرآن و عاشق کار خیر

مریم امیری، مادر شهید خاطرات پســـر را از روزهای نوجوانی آغاز می‌کند: «احسان عاشـــق کارهای خیر و مذهبی بود، گویی با انجام کار خیر جانی دوباره می‌گرفت. یادم می‌آید نوجوان که بود نیمه شعبان آمد و گفت مامان می‌خواهم با بچه‌های همسایه برای رهگذران شربت درست کنم. آنقدر ذوق داشت که نمی‌توانم بیانش کنم.

ان‌شـــاءالله امام زمان (عج) ما را جزو یارانش حساب کند. وقتی کلاس سوم بود، در کلاس حفظ قرآن مسجد ثبت‌نامش کردم. از جزء ۳۰ شـــروع کرد و بعد از ۵ســـال حافظ کل قرآن شد. اگر آیه‌ای را یاد نمی‌گرفت، گریه می‌کرد تا همان شـــب یاد بگیرد. در مســـابقات قرآنی رتبه آورد و بیشـــتر هم آیه ۳۵ سوره نور را می‌خواند؛ می‌گفت آرامش می‌دهد.» حاجیه خانم امیری کمی مکث می‌کند و رشته کلام را از سر می‌گیرد: «احسان با همسرش گروهی را برای کمک به نیازمندان تشـــکیل داده و دوستانشان هم در این مســـیر همراهش بودند. هر چند وقت یک‌بار مبالغی را جمع‌آوری می‌کردند و به‌صورت غذا و گوشت قربانی به‌دست نیازمندان می‌رساندند.»

همراه بهشتی مشترک

هدی رجبی، همسر شهید، از علاقه مشترک‌شان به یک شهید می‌گوید تا آنجا که روز عروسی هم به مزار آن شهید می‌روند: «از همان جلسه اول خواستگاری فهمیدیم خدا ما را برای هم آفریده است. حتی وقتی پرسیدم شهید مورد علاقه‌تان کیست؟ احسان گفت شهید نوید صفری؛ همان شهیدی که از مدت‌ها پیش حامی معنوی من شده بود. همین هم‌فکری، دلمان را مطمئن‌تر کرد.

پس از عقد در حرم حضرت عبدالعظیـــم(ع)، با لباس عروس و داماد به زیارت مزار شهید نوید رفتیم. در همه فراز و نشیب‌های زندگی همواره به او متوســـل می‌شدیم و دســـتگیری‌هایش را می‌دیدیم. حتی ۳ سفر اربعین هم با یاد او گذشت.

روز وداع با احسان، از خدا خواســـتم مانند شهید نوید صفری یاور دل حاجتمندان باشد. زندگی‌مان کوتاه بود، اما سرشار از عشق. احسان جوانی مذهبی، معتدل و مهربان بود. هیچ‌وقت بدون هدیه گلدان به خانه کسی نمی‌رفت. جمعه‌ها با هم خانه را نظافت می‌کردیم، زیاد با هم بیرون می‌رفتیم. غذا خوردن در بیشتر رستوران‌های شهر را تجربه کردیم. هر بیست‌وهفتم‌ماه پیام تبریک عاشـــقانه ماهگرد می‌فرستاد. در این ۳ سال حتی یک‌بار هم با هم اختلاف پیدا نکردیم. احســـان شـــهیدگونه زندگی کرد و عاقبت هم به مقام شهادت رسید؛ سرانجامی که در شأن او بود.»

دلشوره دائمی و روزهای بی‌خبری

خیابان‌های تهران در جنگ ۱۲ روزه شاهد اشک‌ها و قدم‌هایی‌بود که به‌دنبـــال نشـــانه‌ای از عزیزانشـــان بودند تا دلشـــان آرام بگیرد. عرفـــان ذاکری، برادر شـــهید، از روز حمله به ســـازمان بسیج می‌گوید: «هرچه با تلفن احسان تماس می‌گرفتیم جواب نمی‌داد. از شدت نگرانی شروع به پرس‌وجو کردم.

کمی بعد پیامی از یکی از دوستانش رسید که ساختمان سازمان بســـیج را زده‌اند و مجروحان را به بیمارســـتان بعثت برده‌اند. همراه پدرم به بیمارستان بعثت رفتیم. صحنه‌ها شبیه روزهای دفاع‌مقدس بود که از قاب تلویزیون دیده بودم؛ خانواده‌ها در صف بودند تا اسم عزیزانشان را بین مجروحان پیدا کنند. اسم احسان نبود. به سردخانه رفتیم، آنجا هم خبری نبود. ۳ روز تمام زنگ می‌زدیم و جوابی دریافت نمی‌کردیم. بالاخره در چهارمین روز جست‌وجو پیکرش را از زیر آوار بیرون آوردند و به ما خبر دادند. وقتی پدرم وارد آمبولانس شد، پیکر احسان را بغل کرد؛ با وجود ۳ روز زیر آوار بودن، بدنش سالم بود.»

مکث

رسالت خبرنگاری

خبرنگاری برایش عشـــق بود؛ حرفه‌ای که از نوجوانی آغاز کرد و تا آخرین لحظه ادامه داد. عرفان توضیح می‌دهد: «سال ۱۳۹۰ به واسطه دبیران دبیرســـتان فرهنگ وارد عرصه خبر شد. مدتی در دفتر اســـناد رسمی کار می‌کرد، بعد به خبرگزاری دفاع‌مقدس رفت و ســـپس ایکنا. پشـــتکارش سرانجام او را به سازمان بسیج رساند. به‌شدت عاشق خبر بود؛ لپ‌تاپش آنقدر کار کرده بود که فقط با برق روشن می‌شد. مدام خبرها را بالا و پایین و فقط خبر موثق منتشر می‌کرد. وقتی می‌خواستیم به سفر برویم، نخستین سؤالش این بود: «آنجا اینترنت دارد یا نه؟» اگر نداشت، اصلاً همراه ما نمی‌آمد.»

قصه محله

سمیرا باباجانپور ؛ روزنامه نگار

۶ خانه قجری محله تختی

خانه بزرگ و درختان میوه حاج رضا جعفری، معتمد بازار و خیر معروف محله را اهالی فراموش نمی‌کنند؛ بنایی قدیمی که اغلب اوقـــات درهایش باز بود و حاج رضـــا با نوبرانه‌های خانه‌باغش از همســـایه‌ها پذیرایی می‌کرد. خانه خاطرات جوان‌های دیـــروز محله تختی چند صباحی اســـت به یک مجتمع ۶۴ واحدی تبدیل شـــده است. میثم دلفان، رئیس اداره اجتماعی ناحیه ۴ شهرداری منطقه ۱۲ که سال‌هاست در زمینه احیای خانه‌های تاریخی فعالیت می‌کند، می‌گوید: «شکوه محله‌های باهویت تهران به خانه‌ها و بناهای تاریخی و قدیمی‌شان است. بخش مهمی از خانه‌های محدوده مسجد قندی در محله تختی یا همان خانی‌آباد قدیم به خانه‌هایی اختصاص دارد که در دوره قاجار ســـاخته شده است. البته کمتر از ۶ خانه باقی‌مانـــده و اغلب این خانه‌هـــا متعلق به بازاری‌های تهران بوده. از میان خانه‌هـــای باقی‌مانده چند سالی اســـت در حال احیای خانه آدینه هستیم. این خانه با معماری قجری در حال مرمت و نوسازی است تا بتوانیم بافت تاریخی آن را حفظ کنیم و به‌عنـــوان نمادی از تاریخ محله تختی به یادگار بماند.»

در کنار خانه‌های تاریخی، خانه شـــخصیت‌های معروف و مشـــهور محله از جمله خانه پدری پهلوان غلامرضا تختی و خانه شـــهید محمدجـــواد تندگویـــان از اهمیت خاصی برخوردارند. علی مولایاری، مدیر محلـــه تختی، می‌گوید: «خانه شهید تندگویان سال‌ها قبل از جانب خانواده ایشان برای ســـاخت درمانگاه و خانه‌موزه شهید واگذار شده است. مرمت خانه انجام شده ولی متأسفانه در کشاکش مشکلات اداری همچنان بلاتکلیف رها شده. حتی این موضوع باعث رنجش خاطر خانواده این شهید بزرگوار هم شده است. خانه شهید تندگویان می‌تواند الگوی مناســـبی برای خانه‌موزه شهدا باشد تا نسل جوان با سبک زندگی و حس و حال این شخصیت‌های تاریخی بیشتر آشنا شوند.»

آگهی مناقصه

نوبت اول ـ دوم

شماره: ۱۰۳- ۱۰۲/ ۱۴۰۴

شهرداری منطقه ۵ در نظر دارد ۲ مورد عملیات مشروحه ذیل را از طریق مناقصه عمومی واگذار نماید، بدینوسیله از اشخاص حقوقی واجد شرایط جهت شرکت در مناقصه دعوت بعمل می‌آید :

الف)

ردیف	موضوع	مبلغ برآورد اولیه (ریال)	مدت اجرا	سپرده شرکت در مناقصه (ریال)	شرایط متقاضی
۱	عملیات اجرای سنگفرش در حریم منطقه (۴۰۴۱۰۳۸) نوبت دوم	۱۷۷.۳۸۷.۴۵۱.۹۶۸	۱۲ ماه	۸,۸۷۰,۰۰۰,۰۰۰	۱ـ شـــرکت‌کنندگان می‌بایست دارای گواهینامه صلاحیت در رشـــته ابنیه با تخصص ساختمان یـــا راه و ترابری با حداقل پایه ۵ از ســـازمان برنامه و بودجه کشـــور و دارای کارت پیمانکاری معاونت فنی و عمرانی شـــهرداری تهران باشند. ۲ـ داشتن ظرفیت ریالی و سقف مجاز انجام کار از سامانه ساجار در روز مناقصه الزامی می‌باشد.
۲	خرید خدمات مشاور طراحی پروژه‌های عمرانی سطح منطقه ۵ (۴۰۴۱۰۴۱) نوبت اول	۴۰.۷۵۱.۳۸۰.۴۱۲	۱۲ ماه	–	۱ـ مشـــاورین باید دارای گواهینامه صلاحیت در رسته خدمات مشـــاور گروه تخصصهای مشترک (مقاوم ســـازی یا سازه) یا شهرســـازی و معماری (ساختمان‌های مســـکونی، تجاری، اداری، صنعتی، نظامی و ساختمان‌های آموزشی، ورزشی، بهداشتی و درمانـــی) با حداقل پایه ۳ از ســـازمان مدیریت و برنامه‌ریـــزی کشـــور و نیز ظرفیـــت آزاد کاری در رسته مرتبط به شهرداری تهران باشد. ۲ـ داشـــتن ظرفیت ریالی و سقف مجاز انجام کار در روز مناقصه الزامی می‌باشد.

ب) **محل ارائه خدمات :** سطح منطقه ۵

ج) **ســـپرده شـــرکت در مناقصـــه :** واریز به صورت نقدی به حســـاب شـــماره ۱۰۰۶۰۸۳۰۹۰ نزد بانک شـــهر شـــعبه آیت‌ا... کاشـــانی به نام شـــهرداری منطقه ۵ یا از طریق ارائه ضمانت نامه بانکی به نام شهرداری منطقه ۵ می‌باشد. (شناســـه ملی منطقه : ۱۴۰۰۳۱۸۷۲۶۰)، شماره شبا : IR ۱۵۰۶۱۰۰۰۰۰۰۰۰۰۰۱۰۰۶۰۸۳۰۹۰)، کـــد اقتصـــادی :۴۱۱۳۸۴۷۹۷۵۹۳

د) **پایان مهلت ارائه اسناد :** تا پایان وقت اداری روز شنبه مورخ ۱۴۰۴/۷/۱۲ می‌باشد.

هـ) **محل دریافت اســـناد :** واحـــد قراردادها به آدرس : فلکـــه دوم صادقیه ـ خیابان آیت‌اله کاشـــانی ـ ایستگاه حسن‌آباد ـ شهرداری منطقه ۵ ـ طبقه همکف ساختمان جدید

محل تحویل اســـناد : واحد دبیرخانه در طبقه همکف آدرس فوق می‌باشـــد.

اســـناد از طریـــق تـــالار آگهـــی معامـــلات شـــهرداری تهـــران بـــه نشـــانی business.tehran.ir قابل رویت و دریافت می‌باشد.

بدیهی است شرکت در مناقصه و ارائه پیشنهادات به منزله قبول شروط و تکالیف مقرر در اسناد مناقصه بوده و شهرداری در رد یک یا تمام پیشنهادات مختار است و در اینصورت سپرده‌ها مسترد خواهد شد.

ضـــمـــناً مشروح شرایط مناقصه در اسناد درج شده است که شرکت‌کنندگان باید مدارک را پس از اخذ، مطالعه مهر و امضاء نموده و در پاکت‌های لاک و مهر شده تحویل دبیرخانه نمایند.

لازم به ذکر است تضمین تعهدات به میزان ۵٪ مبلغ قرارداد می‌باشد.

روابط عمومی شهرداری منطقه ۵

همشهری ببین

اولین تلویزیون رسانه‌ای در شبکه نمایش خانگی

#اطلاع_رسانی #آموزش #فیلم_و_سریال
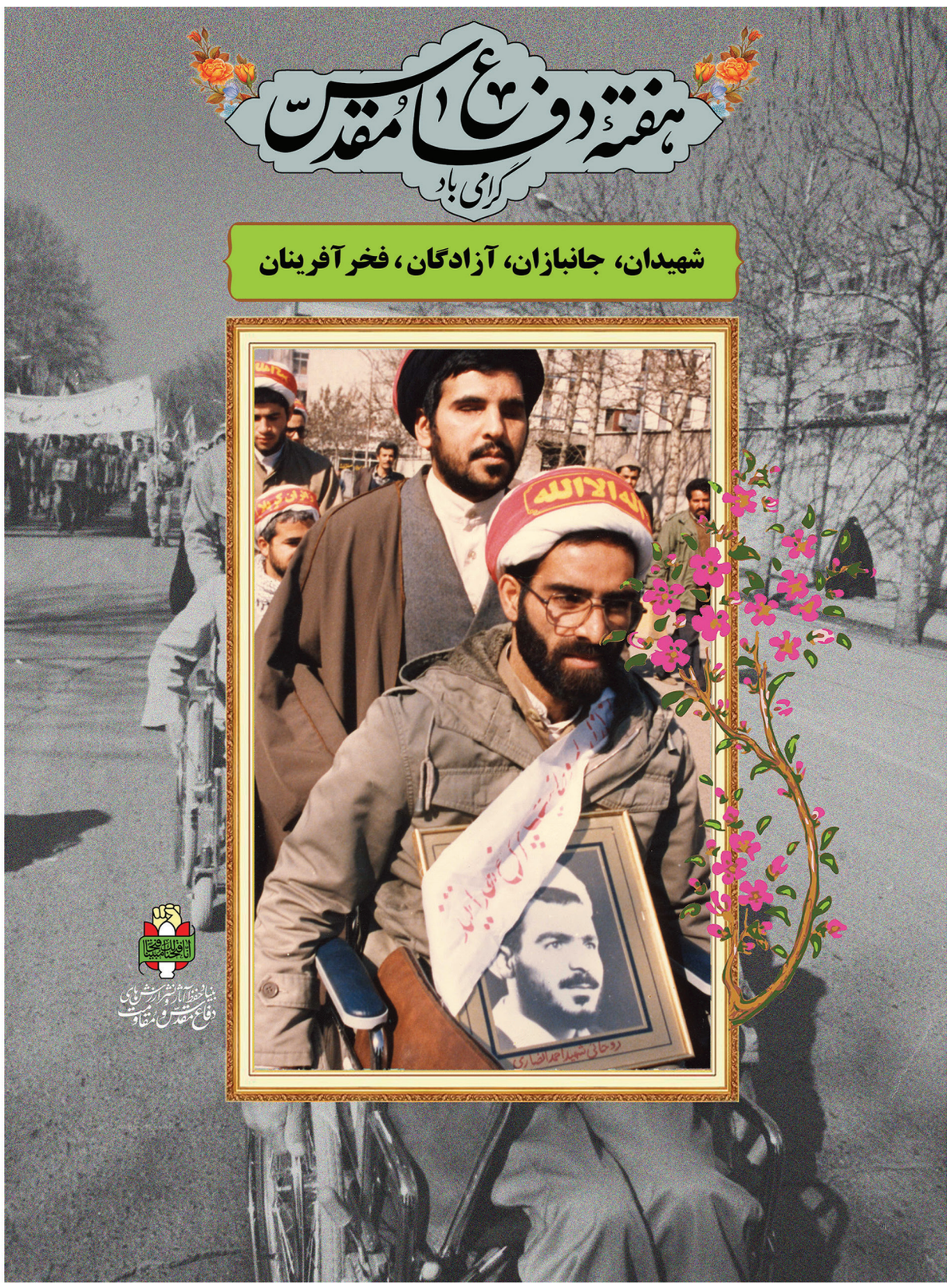
HAMSHAHRI TV همشهری